

عرفان اسلامی و آداب معنوی آموزش هنر (با تأکید بر فتوت‌نامه‌ها)

سعید بینای مطلق*

سیده مریم ایزدی دهکردی**

[تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۰۹ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۲۷]

چکیده

فتوت‌نامه رساله‌ای با رویکرد عرفانی است که در آن، شرایط عضویت در حلقه اهل فتوت (جوانمردان) ذکر شده است. این متون قوانین و آداب خاص هر صنعت (هنر یا پیشه) و دستورالعمل‌های آموزش آن به فراگیران را بر اساس سلسله مراتب استاد - شاگردی ارائه می‌کنند. این مقاله به سبک مسئله‌محور و با روش تحقیق کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع معتبر و مرتبط با مسئله، ضمن تحلیل مفهوم فتوت و مراتب و قواعد آن در متون عرفانی، به بررسی ارتباط فتوت‌نامه‌ها با اصناف، حرفه‌ها، هنر و صنعت پرداخته است. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، ناظر به راهکارهای آموزش هنر اسلامی و تربیت حرفه‌ای هنرآموزان در فتوت‌نامه‌ها است که برخی از آنها عبارت‌اند از: تربیت توأم با نظم و سختگیری از جانب استاد، توجه و تأکید بر ظاهر و باطن در شیوه‌های آموزشی، تلفیق آداب و رسوم ایرانی با ارزش‌های اسلامی، اجرای نظام استاد و شاگردی.

کلیدواژه‌ها: عرفان اسلامی، هنر، نظام آموزشی، فتوت‌نامه، صنایع و حرف، استاد و شاگردی.

مقدمه

در فرهنگ اسلامی، برای شناخت تاریخ هنر اسلامی، تعامل میان هنر و عرفان و آداب معنوی هنر و هنرمند، از بهترین فتوت‌نامه‌ها منابع محسوب می‌شوند. این آثار نمایانگر ظهور باورها و سنت‌های فرهنگی ایرانی - اسلامی، به‌ویژه بعد عرفانی، در آثار هنری است. یکی از راه‌های بازیابی روش‌های آموزش هنرهای اسلامی، توجه به متون فتوت‌نامه‌ها است. این آیین توجه خاص به تلفیق آداب و رسوم ایرانی با مفاهیم و ارزش‌های اسلامی - عرفانی دارد. در شیوه‌های آموزشی فتوت‌نامه‌ها، بر توجه به ظاهر و باطن، تأکید شده است. این تفکر که منش و رفتار شخص در هنر و حرفه او تأثیر مستقیم دارد، گونه‌ای سیر و سلوک را به وجود می‌آورد که چارچوب شخصیتی هنرمند صنعتگر در این راه ساخته می‌شود.

در گذشته، اهل هر حرفه از مفاهیم عمیق و اندیشه‌های بلند عرفان اسلامی بهره می‌گرفتند، به طوری که امروزه جلوه‌هایی از حکمت و عرفان در آثار ایشان قابل مشاهده است. ایشان این اسرار و رموز را تحت نظر و تعالیم استادانی که خود اهل سیر و سلوک بودند، می‌آموختند. سلسله مراتب صنفی و ارتباط اصناف با استادان معنوی و نیز دستورالعمل آداب و ابزار پیشه‌وران، به صورت مفصل در فتوت‌نامه‌ها ذکر شده است.

این مقاله که با هدف بازیافتن ساختار و کیفیت ارکان نظام آموزش هنر اسلامی بر مبنای فتوت‌نامه‌ها تدوین شده است، در پی پاسخگویی به این پرسش است که اساساً چگونه نظام آموزشی هنر اسلامی بر پایه فتوت‌نامه‌ها، موجبات تربیت معنوی و عرفانی صنعتگران را فراهم می‌ساخته است. مقاله حاضر با توضیحاتی درباره واژگان فتوت و فتی آغاز می‌شود و بعد از معرفی مهم‌ترین فتوت‌نامه‌ها، به شرح چگونگی ارتباط بین فتوت و صنعت می‌پردازد و در نهایت ارکان آموزشی هنر اسلامی را بر مبنای فتوت‌نامه‌ها توضیح می‌دهد.

شایان ذکر است کتاب اخوان الصفا، مقاله بهمن فیزایی (۱۳۸۷) با عنوان «بررسی سنت‌های آموزش هنروری در فتوت‌نامه‌ها»، همچنین مقاله «آیین فتوت و نظام آموزشی هنرها و صنایع در ایران» نوشته فاطمه کاتب و فرنوش شمیلی (۱۳۹۱) ارتباطی مستقیم با موضوع این مقاله دارند و در حکم پیشینه تحقیق برای پژوهش حاضر هستند که به فراخور بحث به آنها ارجاع داده شده است.

معنای لغوی فتی و فتوت

واژه «فتوت» به معنای جوانی، سخا، جوانمردی و ایثار است و بالاترین درجه آن ایثار به نفس است (معین، ۱۳۷۱: ۲/ ۲۴۸۷). واژه «فتی» نیز کلمه‌ای عربی است که بر مفهوم جوانی از سنین شانزده تا سی‌سالگی دلالت دارد؛ اما معنای مجازی آن، سالک یا زائر معنوی است که به منزلگه دل و حقیقت باطنی رسیده است (کرین، ۱۳۶۴: ۳-۴). واژه «فتوت» نیز به معنای «جوانمردی» است و «اهل فتوت» یا «فتیان» همان جوانمردان یا پیروان آیین جوانمردی‌اند.^۱

یاحقی در مقدمه تصحیح کتاب *فتوت‌نامه سلطانی* اثر حسین واعظ کاشفی، بر همین موضوع تأکید می‌کند و می‌گوید: فتوت جوانی و شباب و حرکات مناسب دوران جوانی معنا می‌دهد و فتی تازه‌جوان یا کسی است که روزگار خوش شباب را آغاز کرده و گاه خدمتکار یا همراه معنی می‌دهد. پس فتی جوان و جوانمرد نیکوخوی است و فتوت آیین و مسلک جوانمردی و مروت است (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰: ۷).

واژه فتوت از دو جنبه عرفانی و تاریخی نیز قابل بررسی است. زمینه کاربرد این واژه در متون عرفانی نشان می‌دهد فتوت با مفاهیمی همچون ریاضت، تهذیب نفس، جوانمردی و مخالفت با نفس، همبستگی و همراهی دارد. اموری همچون وفا، راستی، امانت، تواضع به هنگام دولت، احسان بی‌منت در فقر و حتی انتخاب پیشه نیز از شرایط آن، در نظر گرفته شده است (موسوی، ۱۳۹۰: ۲۲).

از نظر تاریخی، برخی پژوهشگران، آن را گرده برداری از تشکیلات صنفی ساسانی - بیزانسی دانسته‌اند و ریشه آن را پیش از اسلام جستجو می‌کنند، به نحوی که اصناف ساسانی - بیزانسی نواحی تصرف‌شده به دست عرب‌ها در ایران و بخش‌هایی از قلمرو روم شرقی، فرصت یافتند تا با پذیرفتن مقررات اسلامی به‌عنوان نهاد مدنی نیمه‌مستقل در فضای جدید فعالیت کنند (فرهادی، ۱۳۹۰: ۹). هرچند اطلاق فتوت به دوران پیش از اسلام، مستلزم پژوهش‌هایی مستقل است، پژوهشگری همچون فرانتس تیشنر بر غیرعربی بودن منشأ پیدایش فتوت در ایران تأکید می‌کند (تیشنر، ۱۳۳۵: ۷۶).

پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهد ایرانیان در میانه سده دوم هجری در گوشه و کنار و مخصوصاً در مشرق ایران و بیشتر در سیستان و خراسان در برابر بیدادگری‌ها و

تعصب‌های نژادی امویان و دست‌نشانندگان آنان برخاسته بودند. راهنمای این جنبش‌های مردانه ملی بیشتر جوانمردان بودند. بزرگ‌ترین راهنمای این دسته ابومسلم خراسانی بود (سبحانی، ۱۳۸۹: ۸). با این همه فتوت به صورت خاص و در مفهوم جماعتی که پیرو سلسله اصول فتوت بوده‌اند، در میانه سده سوم هجری قمری ایجاد شده است (کربن، ۱۳۶۴: ۵) و یکی از چهار گرایش فکری و اجتماعی شکل‌گرفته در سده سوم هجری قمری به شمار می‌رود؛ بر این اساس مذهب کرامیه (به رهبری محمد بن کرام، در گذشته ۲۵۵ق/ ۸۶۹م)، مذهب ملامتیه (به رهبری حمدون قصار، در گذشته ۲۷۱ق/ ۸۸۴م)، مذهب صوفیه (به رهبری بایزید بسطامی، در گذشته ۲۶۱ق/ ۸۷۵م) و مذهب اصحاب فتوت (به سرکردگی نوح عیار نیشابوری، نیمه دوم سده سوم هجری) قابل تمییز هستند (موسوی، ۱۳۹۰: ۲۳).

بزرگان مذهب صوفیه همواره تصوف را برای خواص و جوانمردی را برای عموم به صورت توأمان ترویج می‌کردند؛ چنان‌که سه تن از بزرگان مشایخ ایران، ابوحامد احمد بلخی (در گذشته ۲۴۰ق)، ابوحفص عمر بن سلمه نیشابوری (در گذشته ۲۶۴ق)، ابوالحسن علی بن احمد بن سهل صوفی پوسنگی (یا بوشنجی در گذشته ۳۸۴ق) از سران جوانمردان و فقیهان نیز بوده‌اند (علاقه، ۱۳۷۷: ۲۹۸). با این حال هر یک از این چهار گرایش از موضع خاصی بر مبانی عرفانی تکیه داشته‌اند، به نحوی که اصحاب فتوت به زهدی آمیخته با مردم‌داری، از خودگذشتگی و احسان به خلق تأکید ورزیده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۲۳).

چنین به نظر می‌رسد که اصول جوانمردی در سده پنجم هجری قمری تکوین یافته است^۲ (راوندی، ۱۳۴۷: ۵۷۳) و از معنای ابتدایی خود (تکیه بر جنبه‌های نظامی) به اصول معنوی و عرفانی معطوف شده، تبدیل ماهیت یافته است و به تدریج با گره‌خوردن جوانمردی و تهذیب، جنبه طریقتی و عرفانی به خود گرفته است (موسوی، ۱۳۹۰: ۲۳). نکته قابل توجه دیگر این است که فتوت از حیث تاریخی، به نوعی تصوف عامیانه تبدیل می‌شود (علاقه، ۱۳۷۷: ۲۹۹). گسترش فرهنگ فتوت و جوانمردی در ایران، به تدریج به قرن نهم و دهم هجری رسید، به طوری که در عهد صفوی، در میان عامه مردم ایران رواج بسیار یافت (رضوی، ۱۳۸۹: ۲۴).

مراتب و قواعد فتوت در متون عرفانی، به صورت متنوع ذکر شده است؛ برای مثال واعظ کاشفی در کتاب *فتوت‌نامه سلطانی* معتقد به مراتب سه‌گانه است و می‌گوید: اول سخا که هرچه دارد از هیچ‌کس واندارد، دوم صفا که سینه را از کبر و کینه پاک و پاکیزه سازد و مرتبه آخر وفا است که هم با خلق نگه دارد و هم با خدا. مظهر صفت فتوت، فتی یا جوانمرد نامیده می‌شود (فیزیایی، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

کمال‌الدین عبدالرزاق کاشی با استفاده از سخنان امام علی (ع) از هشت قاعده سخن می‌گوید که جوانمردی بر اساس آنها شکل گرفته است: وفا، صدق، امن، سخا، تواضع، نصیحت، هدایت، توبه. او می‌نویسد هر که این خصائل را نداشته باشد، مستحق اسم فتوت نیست و نشانه کمال در فتوت را این می‌داند که اهل فتوت در هنگام قدرت‌داشتن، دیگران را عفو کنند، در حین قدرت تواضع به خرج دهند، با وجود تنگدستی سخاوتمند باشند و بدون هیچ متنی به دیگران کمک کنند (کاشی، ۱۳۶۹: ۵۰).

گذری بر فتوت‌نامه‌ها

«فتوت‌نامه» رساله یا کتابی است که در باب منش و عقاید، قوانین و آداب جوانمردان نوشته شده است (کاشفی، ۱۳۵۰: ۷). آنها را می‌توان شکل مکتوب عقاید اهل فتوت دانست که در آنها اصول و دستورالعمل‌هایی برای رسیدن سالکان و رهروان به فتوت و جوانمردی ذکر شده است؛ به عبارت دیگر، این رسائل شرح چگونگی تشریف به سلک فتیان را در بر دارند.

به گفته شفیعی کدکنی، سرآغاز تدوین فتوت‌نامه‌ها، قرن پنجم هجری است. وی می‌گوید: «ورود به جمع اصحاب فتوت از قرن پنجم هجری قمری، آداب ویژه‌ای به خود گرفت و به تدریج نوشتن فتوت‌نامه به عنوان منشوری اخلاقی شکل گرفت، به طوری که سرکرده هر فرقه - که دارای جایگاه پیر و شیخ بود - باید برای هر فرد متقاضی عضویت، منشوری می‌نوشت و عبدالقادر هاشمی بزّاز که به خود لقب کاتب فتیان داده بود، در این دوره متصدی این مقام شد، که منشور را نوشته و او را مأمور یکی از نواحی می‌نمود» (موسوی، ۱۳۹۰: ۲۴).

اصول و قواعد فتوت به صورت پراکنده یا متمرکز در متون مختلف ذکر شده است؛ برای مثال در یکی از قدیمی‌ترین کتاب‌های تصوف ایران یعنی رساله قشیریه تألیف امام ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن بن عبدالمک بن طلحه بن محمد قشیری نیشابوری (۳۶۷-۴۶۵ق) مطالب بسیاری درباره فتوت ذکر شده است. ابورحمن محمد بن حسین بن محمد بن موسی سلمی ازدی نیشابوری (۳۳۰-۴۱۲ق) گذشته از مطالب فراوانی که در این باره در کتاب معروف خود *طبقات الصوفیه* (چاپ قاهره) و در *آداب‌الصحبه و حسن‌العشره* آورده، کتاب مستقلی به نام کتاب *الفتوه* نوشته است. در کتاب مشهور *عوارف‌المعارف* تألیف شهاب‌الدین ابوحنیفه عمر بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بکری سهروردی (۵۳۹-۶۳۲ق) نیز مطالب بسیاری دیده می‌شود. چند کتاب مستقل که در این زمینه به زبان عربی نوشته شده یکی *عمده‌الوصایا* تألیف ابوالحسن علی و *مرآه‌المروءات* تألیف علی بن حسن بن جعدویه و *تحفه‌الوصایا* تألیف احمد بن الیاس است. در زبان فارسی به جز فتوت‌نامه‌ها، رساله‌ها و کتاب‌های ادبی نیز وجود دارند که آداب و رسوم مربوط به حرفه‌ها و هنرهای مختلف را در خود جای داده‌اند. در آثار عارف مشهور شیخ‌الاسلام ابواسماعیل عبدالله بن محمد انصاری هروی معروف به خواجه عبدالله (۳۷۶-۴۸۱ق) و *تذکره‌الاولیاء* فریدالدین عطار نیشابوری مطالب فراوانی در این زمینه یافت می‌شود (فیزی، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

مهم‌ترین کتاب‌های فارسی که اختصاصاً به ارکان فتوت پرداخته‌اند، به طور فهرست‌وار عبارت‌اند از:

۱. *فتوت‌نامه* نجم‌الدین ابوبکر محمد بن مودود ظاهری تبریزی معروف به نجم‌الدین زرکوب (درگذشت: ۷۱۲ق).
۲. *فتوت‌نامه* کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی (درگذشت: ۷۳۰ یا ۷۳۵ق).
۳. *فتوت‌نامه* علاءالدوله رکن‌الدین ابوالمکارم محمد بن شرف‌الدین احمد بن محمد بیابانکی (۶۵۹-۷۳۶ق).
۴. *فتوت‌نامه* امیر سیدعلی بن شهاب‌الدین بن میر سیدمحمد حسینی همدانی (۷۱۳-۷۸۶ق).

۵. فتوت‌نامه سلطانی از کمال‌الدین یا معین‌الدین حسین بن علی کاشفی بیهقی هروی واعظ، معروف به ملاحسین کاشفی (درگذشته در ۹۱۰ق) که مفصل‌ترین کتاب در این زمینه است.

۶. رساله *آداب‌المشقی* میرعمادالحسنی که به خط خود او تحریر شده است (همان، ۱۳۰).

معمولاً ترتیب مطالب ذکرشده در کتاب‌های فتوت به این گونه است که ابتدا راجع به کلمه فتوت سخن گفته می‌شود؛ بعد در مورد اصناف یا پیشه‌وران یا اهل صنعت و اصطلاحات هر یک و اینکه چه کاری انجام می‌دهند، سخن به میان می‌آید (پازوکی، ۱۳۸۴: ۵۱). ادبیات مکتوب اهل فتوت، غالباً به صورت رساله‌های موسوم به «فتوت‌نامه»، بیشتر در دوران صفویه نوشته شده‌اند و بیشتر آنها، مخصوصاً رساله‌های جوانمردان، پیش از دوره صفوی نوشته شده‌اند و بیشتر آنها، مخصوصاً رساله‌های مربوط به اصناف پیشه‌وران، در عهد صفوی یا پس از آن نگاشته شده‌اند (رضوی، ۱۳۸۹: ۲۴).

از نکات قابل توجه فتوت‌نامه‌ها این است که برای دستورهای خود یک منشأ قدسی قائل می‌شوند؛ برای مثال واعظ کاشفی در کتاب *فتوت‌نامه* می‌گوید: «شرف علم فتوت همین بس که اسناد به حضرت شاه ولایت و فرزندان بزرگوار آن حضرت کرده است». عبدالرزاق کاشانی آورده است مبدأ نبوت، آدم صفی‌الله و قطب نبوت ابراهیم خلیل‌الله و خاتم نبوت حضرت سیدالمرسلین (ص)... و مبدأ فتوت و مظهر آن ابراهیم خلیل است و قطب فتوت مرتضی علی (ع) و خاتم فتوت مهدی هادی (ع) خواهد بود»^۳ (کاشفی، ۱۳۵۰: ۶). همچنین در فتوت‌نامه چیت‌سازان آمده است که لوط پیامبر هنر رنگرزی را آموخت یا در فتوت‌نامه آهنگران، آهنگری به داوود نبی (ع) یا کرباس‌بافی به شیث نبی (ع) منسوب شده است. هر چند ممکن است این انتسابات از حیث تاریخی درست نباشد، اما رویکرد فیتیان در نقل این سخنان، توسل به تاریخ انفسی یا باطنی است. بنابراین طبق اصول فیتیان، جنبه معنوی و باطنی یک حرفه از یک نبی یا ولی اخذ شده است (پازوکی، ۱۳۸۴: ۴۸).^۴

ارتباط فتوت‌نامه‌ها با اصناف و حرفه‌ها

در دوره‌ای که فتوت و جوانمردی با سلوک اخلاقی و عرفانی چه عامیانه و چه غیرعامیانه آمیخته شد، در محدوده عادت‌ها و رفتارهای عرفانی محدود نماند و چون بسیاری از عارفان، خود دارای شغل و حرفه بودند، آیین فتوت را در مشاغل و حرفه‌ها و در آداب و قواعد هر یک از شغل‌ها نیز دخالت دادند و بر این باور بودند که اگر کسی وارد عرصه فتوت شود، شغل و حرفه او هم وارد عرصه فتوت و جوانمردی می‌شود و او باید در شغل خود نیز این اصول جوانمردی و فتوت را مراعات کند.

از امور مشترک میان ارباب ملامت و اهل فتوت این بوده است که هر دو طایفه، بر اساس سنت نبوی و سخنان پیامبر اسلام (ص) بر این امر توافق داشته‌اند که سالک باید به شغل و حرفه اشتغال داشته باشد و به این سخن پیامبر اکرم (ص) استناد می‌کردند که خداوند مؤمن کوشا و مشغول به داد و ستد و اهل حرفه را دوست دارد و اینکه زکریای پیامبر (ع) نجار، داوود نبی (ع) در جوانی کشاورز و سپس زره‌ساز، سلیمان (ع) زنبیل‌باف، ادریس (ع) خیاط، ابراهیم (ع) و موسی (ع) چوپان، و صالح (ع) و جرجیس (ع) نیز به تجارت می‌پرداختند (موسوی، ۱۳۹۰: ۲۴).

بنابراین فتوت‌نامه‌ها به شرح اصول عرفانی و تهذیب نفس محدود نشده‌اند، بلکه این اصول اخلاقی را در عرصه کار روزمره نیز تسری داده‌اند تا از این رهگذر، مسیر عرفان نظری را به عرفان عملی مبدل سازند. سرمایه عارفان، جز قلب پاک و نیت خالص در اعمالشان چیز دیگر نیست و در تمامی مراحل معنوی با همین سرمایه آغاز شده است و سپری می‌شود. تمام این مطالب تنها بنا بر تاریخ انفسی یا باطنی است که معنا پیدا می‌کند؛ زیرا بنا به اعتقاد آنان، هیچ حرفه و فنی نمی‌تواند منشأ زمینی داشته باشد. این نحو حرفه‌آموزی در سنت‌های همه ادیان، سابقه داشته است. با توجه به اینکه داشتن پیشه و شغل، جزو شرایط فتوت به شمار می‌رفته است، پیدایش اصناف با منشأ فکری و رفتاری اهل فتوت نتیجه منطقی آن بوده است، به نحوی که اصطلاحاً به آنها اصناف فتوت می‌گفتند. فتوت‌نامه‌هایی که به صورت ویژه به شرح اصول و سلسله‌مراتب یک پیشه می‌پردازند، بهترین شاهد این مدعا هستند، مانند فتوت‌نامه

چیت‌سازان، آهنگران، سلاخان، قصابان. بر این اساس می‌توان گفت فتوت‌نامه‌ها، مهم‌ترین منبع درباره طبقات و اصناف محسوب می‌شدند.

نسبت فتوت با هنر و صنعت (تخنه)

همان‌طور که پیش از این گفته شد، شرح چگونگی تشریف‌مقاصی به سلک فتوت در کتاب‌های موسوم به فتوت‌نامه ذکر شده است. همچنین بیان شد که در این کتاب‌ها اصول صنعت و فنون نیز آمده است و بر این اساس فتوت‌نامه، رساله یا کتابی است که به منظور تربیت هنرمندان یا صنعت‌کاران و در باب منش، عقاید، قوانین و آداب آن صنعت یا هنر خاص نوشته شده است؛ بنابراین ارکان آموزشی هنر اسلامی با تکیه بر متون فتوت‌نامه‌ها قابلیت تبیین می‌یابد؛ البته در این زمینه باید به چند نکته توجه کرد:

نکته اول اینکه اساساً واژه هنر در نظام فکری اسلامی، مترادف با مفهوم آن در نظام فکری غربی نیست؛^۵ زیرا معادل هنر در تفکر غربی واژه art است، حال آنکه مفهوم art در نظام فکری اسلامی مصداق ندارد. تعریف هنر در نظام فکری اسلامی فن، صنعت یا تخنه است؛ بنابراین اگر بیان می‌شود که در فتوت‌نامه‌ها، منش هنرآموزی توضیح داده شده است، منظور فراگیری فوت و فن یک صنعت یا پیشه است که طبق آیین‌نامه‌ای معنوی و عرفانی در قالب فتوت‌نامه، مدون شده است (پازوکی، ۱۳۹۰: ۲۱-۲۳).

رساله صنایع میرفندرسکی و بحث صنایع لطیفه ملاصدرا به خوبی نشان می‌دهد که مفهوم هنر در نظرگاه این حکما در قالب صنعت یا فن نمود یافته است (امام جمعه، ۱۳۹۰: ۱۱۰). نیاز صنعت‌گران به معانی حکمی و نظری صنعتشان که بر اثر وحدت درونی صناعات با فلسفه و حکمت به وجود آمده بود، خود ضرورتی انکارناپذیر در رجوع اهل صنعت به حکما بوده است (بلخاری، ۱۳۹۰: ۱۴۷).^۶

رساله صنایع مشهورترین اثر میرفندرسکی که به نام *حقایق‌الصنایع* نیز مشهور است از بهترین و جامع‌ترین آثاری است که از جانب یکی از بزرگان حکما و عرفا و دانشمندان مسلمان، مستقلاً در موضوع صنعت نگاشته شده است (پازوکی، ۱۳۸۶: ۹۵). یکی از مسائل اصلی میرفندرسکی در ترغیب به کار و تجدید صناعات، احیای اصناف

صنعتگر از طریق احیای همین طریقه‌های فتوت است که به دنبال تضعیف تصوف در دوره صفویه رو به اضمحلال نهادند. صنعت با این سعه معنایی، از نبوت و حکمت و خلافت، تا آهنگری و کاتبی و گازی را در بر می‌گیرد؛ ولی اینها در عرض یکدیگر نیستند (پازوکی، ۱۳۸۶: ۹۵ تا ۹۸).

ملاصدرا قطعاً یکی از معدود فیلسوفان دنیای اسلام است که اولاً هم صنعت را هنر دانسته و هم هنر را صنعت؛ ثانیاً برای هنر به مثابه صنعت، نقش اجتماعی، فرهنگی و حتی عرفانی قائل شده است. او هنر را نه به معنای متعارف شرقی - به معنای کمالات انسانی - بلکه به معنای خاص آن، یعنی به معنای ساخت و سازهای زیبایی‌شناسانه مورد توجه قرار داده است. او آنچه را که ما امروزه به عنوان هنر می‌شناسیم، به صنایع لطیفه تعبیر کرده است. صنعت و صنعت‌گری در عصر ملاصدرا ماشینی نبود و همه مراحل آن با دخالت مستقیم دست انسان انجام می‌شد؛ اما قابل تأمل است که این فیلسوف صنعت‌گر را با توجه به تولیدات و ساخت و سازهایش، هنرمندی می‌داند که فعالیت‌هایش کاملاً زیبایی‌شناسانه است و رابطه بین صنعت‌گر و مصنوعش را کاملاً هنری دیده است. ملاصدرا در کتاب *اسفار اربعه* و در بحث عشق‌شناسی به اقسام و شعبه‌های عشق اشاره می‌کند و می‌نویسد: «و منها محبه الصناع فی اظهار صنائعهم و حرصهم علی تميمها و شوقهم الی تحسينها و تزينها كانه شی غریزی لهم لما فيه مصلحه الخلق و انتظام احوالهم» (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۷/ ۱۶۴). «حب صنعتگران به ارائه اثر خویش است. این حب و عشق به گونه‌ای است که وقتی آنها دست به کار ساخت و ساز می‌شوند و مشغول تولید و خلق اثر می‌گردند، حرص پیدا می‌کنند؛ یعنی این شوق تا آن حد است که انگار ارائه اثر و به ظهور رساندن آن امری غریزی است و البته در این نوع محبت، مصلحت خلق وجود دارد و به سبب آن، احوال آنها انتظام پیدا می‌کند» (امام جمعه، ۱۳۹۰: ۱۱۰-۱۱۱).

نکته دومی که در بحث هنر، صنعت و فتوت باید بدان توجه کرد این است که اساساً اگر قرار باشد تعریفی از زیبایی و هنر در نظام فکری اسلامی بیان شود، این توضیحات در متون عرفانی از جمله فتوت‌نامه‌ها فرصت ظهور یافته است. تعریف هنر و زیبایی از منظر اسلام در متون فقهی به صورت مستقل مطرح نشده است.... و صرفاً

در آثار حکمای مسلمان، به‌خصوص آن حکمایی که گرایش‌های عرفانی دارند، کم و بیش مطالبی راجع به زیبایی آمده است؛ ولی در آثار عرفا است که جدی‌ترین و مستقیم‌ترین مباحث درباره هنر و زیبایی به چشم می‌خورد. درحقیقت بحث زیبایی و هنر را فقط در آثار عرفانی و حکمای اهل عرفان می‌توان پیدا کرد؛ چون اساساً درک زیبایی در عالم اسلام تابع نوعی نگرش عرفانی بوده است. درواقع عرفا بودند که معنای زیبایی را در عالم اسلام پروردند (پازوکی، ۱۳۸۴: ۱۱).

چگونگی تشریح مباحث هنری در فتوت‌نامه‌ها به بهترین وجه در آرای اخوان الصفا هویدا است. تأثیر اخوان الصفا بر ظهور حلقه‌های فتوت و به تبع آن فتوت‌نامه‌ها، از دلایل اهمیت آنان در تاریخ هنر اسلامی است. آنان نظامی از تربیت استاد - شاگردی و دستگاهی منظم با سطوح مختلف نوآموزان و مرشدان ساخته بودند و از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در ظهور حلقه‌های اتصال میان حکمت، صنعت، فن و فتوت بودند (پازوکی، ۱۳۸۴: ۱۴۶).

اخوان الصفا در تفکر خود از صنایع علمی و صنایع عملی سخن گفته‌اند. رسائل اخوان الصفا نقشی مهم در شکل‌گیری حکمت و فلسفه در جهان اسلام ایفا کردند، به‌ویژه آنکه رویکردی خاص به هنر اسلامی داشتند. آرای آنان در دو مقوله مهم از تاریخ هنر و معماری اسلامی تبیین می‌شود: یکی تعریف و تصور اخوان الصفا از صنعت و دیگری نقش کلیدی آنان در تکوین و تدوین حلقه‌های اخوت و ظهور فتوت‌نامه‌ها. از دیدگاه آنان صنایع عملی، صورت‌هایی هستند که توسط صانع عالم و از فکر صادر می‌شوند و در قالب ماده موضوعه (هیولی) استقرار می‌یابند: «و اعلم یا أخی بأنه لا بد فی کل صنعة من موضوع يعمل الصانع منه و فیه صنعة، فالموضوع فی صناعة البشرین نوعان: روحانی و جسمانی. فالروحانی هو الموضوع فی الصناعة العلمیة، كما بینا فی رسالة المنطق، و الجسمانی هو الموضوع فی الصناعة العلمیة، و هو نوعان: بسیطة و مرکبة، فالبسیطة هی النار و الهواء و الماء و الأرض، و المركبة ثلاثة أنواع، و هی الأجسام المعدنیة، و الأجسام النباتیة، و الأجسام حیوانیة» (اخوان الصفا، ۱۴۱۲: ۲۸۰ / ۱). از دیدگاه اخوان الصفا قدرت نفس صانع متأثر از تأثیر نفس کلی و تأثیر نفس کلی از تأیید عقل کلی به امر الهی است: «و كذلك قال الحكماء إن

في المعلول توجد آثار العلة. و كذلك صارت الأفعال المحكمة و الصنائع المتقنة تدل على حكمة صانعها، و تنسب إليه و يكون موصوفا بها» (همان، ۲۰۶/۴).

اخوان الصفا در تبیین ماده موضوعه صنایع عملی به تقسیم‌بندی این صناعات پرداخته‌اند: از جمله صناعات، صناعاتی‌اند که ماده موضوعه آنها آب است، مانند صناعات ملاحان، سقایان، آب‌رسانان، صناعاتی که ماده موضوعه آنها خاک است، مانند مقنیان، حفاران، معدنچیان و صناعاتی که ماده موضوعه آنها آتش است، مانند کسانی که در جنگ‌ها آتش می‌اندازند، حمل‌کنندگان نفت و کسانی که به امر روشنایی شهرها مشغول‌اند: «فمن الصنائع ما هي الموضوع فيها الماء حسب، كصناعة الملاحين و السقائين و الروائين و الشرايين و السباحين و من شاكلهم؛ و منها ما هي الموضوع فيها التراب حسب، كصناعة حفار الآبار و الانهار و القني و القبور و المعادن» (همان، ۲۸۰/۱).

راهکارهای آموزش هنر در فتوت‌نامه‌ها مبتنی بر تربیت معنوی و حرفه‌ای

فتوت‌نامه‌ها در میان اصناف و حرفه‌ها، بیشترین تأثیر آموزشی و تربیتی را در وفاداری به اصول اخلاقی و انسانی به همراه داشتند و شخصیتی معنوی از صاحبان حرفه‌ها و اصناف می‌ساختند. با تکیه بر این متون می‌توان ساختار آموزشی حرفه‌ها را شناسایی کرد. از یک سو در هر حرفه و صنفی، صاحبان همان صنف بودند که این ساختار را تدوین می‌کردند تا اصول حرفه‌ای صناعات در ترکیب با اصول اخلاقی کاملاً رعایت شود؛ برای مثال فتوت‌نامه چیت‌سازی را چیت‌سازان تدوین می‌کردند و آهنگران در پیدایش آن نقشی نداشتند و بالعکس.^۷ از سوی دیگر، اصول اخلاقی حاکم بر فرایند آموزشی در فتوت‌نامه‌ها، با پوششی از سلسله مراتب سختگیرانه ارائه می‌شده است تا متعلم در این فرایند رشد تدریجی کند. کلیات آموزشی هنر اسلامی در فتوت‌نامه‌ها را می‌توان در دو بخش طبقه‌بندی کرد: یکی شامل ارائه برنامه تربیت معنوی متعلمان و دیگری تربیت حرفه‌ای آنان به عنوان صاحب یک شغل. ناگفته نماند که تمییز مرزهای این دو راهکار دشوار است؛ زیرا در فتوت‌نامه‌ها تربیت معنوی و تربیت حرفه‌ای نتیجه یکدیگر بوده‌اند و عملاً همگام با یکدیگرند.

برنامه تربیت معنوی هنرآموزان در متون اهل فتوت

هدف غایی فتوت‌نامه‌ها بنا به اذعان ملاحسین واعظ کاشفی در کتاب فتوت‌نامه سلطانی، تربیت نفس است. وی در این باره می‌گوید: «موضوع علم فتوت نفس انسانی است، از آن جهت که مباشر و مرتکب افعال جمیله و صفات حمیده گردد و تارک اعمال قبیحه و اخلاق ذمیمه شود، به ارادت؛ یعنی تحلیه و تخلیه و تزکیه و تصفیه را شعار خود سازد تا رستگاری یابد و به نجات ابد برسد» (کاشفی، ۱۳۵۰: ۸). به عبارت دیگر هدف نهایی این رسالت‌ها، تربیت معنوی در قالب اشتغال به یک صنعت بوده است.^۸ بخشی از تربیت معنوی شاگردان در نظام آموزشی هنر اسلامی با تکیه بر فتوت‌نامه‌ها شامل تأکید بر ذکر مداوم است، به گونه‌ای که شاگرد در هر یک از اعمال مورد نیاز پیشه خود، تجلی یادی از خداوند را ببیند؛ برای مثال در فتوت‌نامه فلزکاران و زرگران آمده است: «اگر تو را پرسند که خابسک بر سندان می‌زنی چه می‌خوانی؟ بگو قوله تعالی بسم الله و توکلت علی الله و ما توفیقی الا بالله العلی العظیم». اگر تو را پرسند که کوره را راست سازی و در کوره که آتش آری چه می‌خوانی؟ بگو که این آیت باید بخوانند: «و هو بکل شیء علیم الذی جعل لکم من أشجر الاخضر نارا فإذا أنتم منه توقدون». اگر تو را پرسند که آهن و فولاد که تاب گذاری چه می‌خوانی؟ بگو: «لا اله الا الله الواحد القهار لا اله الا الله الکریم الستار لا اله الا الله العزیز الجبار»^۹ (کاتب و شمیلی، ۱۳۹۱: ۱۰۵).

راهکار دیگر فتوت‌نامه‌ها در تربیت معنوی شاگردان توجه دادن آنان به اهمیت والای پیشه و حرفه‌شان از راه انتساب آن شغل به یکی از پیامبران الهی است؛ برای مثال در فتوت‌نامه چیت‌سازان گفته شده که لوط پیامبر به وسیله جبرئیل، هنر رنگرزی پارچه را آموخته است و جبرئیل استاد تهیه رنگ خوانده شده است یا در فتوت‌نامه آهنگران آمده است که آهنگری منسوب به داوود نبی(ع) است یا کرباس‌بافی منسوب به شیث نبی(ع) شده است. این کوشش نوعی ارتباط میان شغل و عبادت را تداعی می‌کند. جنبه اسطوره‌بخشی به مشاغل و گره‌زدن آنها به سنت نبوی و جنبه قدسی دادن به حرفه‌ها در بسیاری از فتوت‌نامه‌ها مشهود است، به طوری که منشأ هر یک از مشاغل به یکی از انبیا و قدیسان برمی‌گردد و حتی اگر به نامگذاری مشاغلی همچون سلمانی نیز

در فتوت‌نامه‌ها نگاه شود، آن را منتسب به معراج پیامبر اسلام و سلمان فارسی می‌دانند و حتی گاه سبک و سیاق بیان آنها به روش قصه‌گویان و مذکران مساجد و خانقاه‌ها شبیه است (موسوی، ۱۳۹۰: ۲۶).

برنامه تربیت حرفه‌ای در متون اهل فتوت

تدوین شرایط ویژه برای شاگردی، اعتقاد به سلسله‌مراتب، اجرای نظام استاد و شاگردی سختگیرانه و تدوین آیین‌نامه ارتقا، راهکارهایی بوده است که در فتوت‌نامه‌ها بدان توجه شده است تا متعلم از حیث حرفه، در صنعت خود به رشد و پیشرفت دست یابد.

بر اساس فتوت‌نامه‌ها اصحاب حرفه‌ها اهل طریقت محسوب می‌شوند؛ بنابراین آنچه برای آنان ضروری است، نه ابداعات و کنش‌های فردی و خودخواسته، که تعهد به اصولی است که در طریق آن، صنعت را می‌باید آموخت؛ از این رو در این نگرش آنچه اساساً موضوعیت دارد، نه شخص هنرمند، که اصناف است؛ بنابراین صنعت در این جایگاه برای عرفا موضوعیت می‌یابد و عرفا در قالب فتوت‌نامه‌هایی که همان طریقت‌نامه‌ها هستند به آن پرداخته‌اند، و مقام حقیقت، مقام الهی است و در نگرش عرفانی، مسئله زیبایی هم شأنی کاملاً الهی دارد (پازوکی، ۱۳۹۰: ۵۶). طبق فتوت‌نامه ابن معمار برای پذیرش یک فرد در جرگه اهل فتوت، شش شرط ذکر شده است، شرایطی مانند مرد بودن، بلوغ، برخورداری از سلامت عقل، تدین، استقامت حال (نداشتن نقص ظاهری) و مروت. این شرایط نشان می‌دهد فقیان پذیرای هر شخصی برای عضویت در مسلک خود نبودند و در این راه، قائل به گزینش بودند.

این شرایط به‌خوبی در سلسله‌مراتب چهارگانه اخوان الصفا نیز دیده می‌شود، به‌گونه‌ای که پذیرش در هر مرتبه متضمن ویژگی‌هایی خاص بوده است. اخوان الصفا در جمع خود چهار مرتبه داشتند: اول «الاخوان الابرار الرحماء»: بین ۱۵ تا ۳۰ سال داشتند و دارای سه صفت بودند: صفای ذات و روح، تیزهوش و سرعت انتقال. دوم «الاخوان الاخیار الفضلاء»: بین ۳۰ تا ۴۰ سال داشتند و صفاتی همچون سخاوت، شفقت، مهربانی و وفاداری به دیگر اخوان و نیز مراعات حال اخوان دیگر، لازمه

حضور در این مرتبه از مراتب اخوان بود. سوم «الاخوان الفضلاء الکرام»: با سنی بین ۴۰ تا ۵۰ سال، گروهی بودند که قوانین را می‌شناختند، عقاید را تدوین می‌کردند و در امر دعوت کمک‌کار بودند و چهارم «مرتبه کمال» بود که اخوان در این مرحله، برای مشاهده قیامت و صعود به ملکوت آسمان آمادگی داشتند.^{۱۰}

نکته قابل توجه در اخوان الصفا توجه به مسئله علم‌آموزی در تمام عمر و ارائه برنامه درسی و علمی خاص بوده است که جای خالی آن در تمام روش‌های آموزش امروزی خالی است.

همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد تدوین سلسله‌مراتب، یکی از راهکارهای فتوت‌نامه‌ها در آموزش شاگردان بوده است. این مراتب به صورت‌های مختلف در این متون نامگذاری شده‌اند؛ برای مثال مرتبه استادی با نام‌هایی چون «شیخ» (پیشرو، مقدم)، «مہتر» (کبیر)، «پیشوا» (زعیم)، «رهبر» (قائد)، «پدر» (اب)، یا «سرگروه» (رأس‌الحزب)، پیر یا مرشد قابل شناسایی است (فیزیابی، ۱۳۸۷: ۱۲۹). هنر سنتی با مشق‌کردن از روی کار استاد آغاز می‌شد. روشن است که شاگرد در ابتدا دست به آفرینش نمی‌زند، بلکه سعی می‌کند الگوهای داده‌شده را عیناً تکرار کند. مشق‌کردن از روی الگو تا آنجا ادامه می‌یافت که صورت‌بندی اصلی، بلکه ذهن شاگرد می‌شد و او می‌توانست بدون نگاه‌کردن به الگو آن را با ضوابط خاصش اجرا کند. شاگرد با این کار مهارت و تکنیک لازم را برای اجرا به دست می‌آورد. باباشاه اصفهانی در رساله *آداب المشق* با دقت به این موضوع پرداخته است. وی از سه نوع مشق‌کردن یاد کرده است: «بدان که مشق بر سه قسم است: نظری و قلمی و خیالی» (پیروزرام و بینای مطلق، ۱۳۹۲: ۴۳).

تدوین شرایط ویژه برای استاد و شاگرد

بنا بر اعتقاد اهل فتوت، کسی پیش خودش هنرمند نمی‌شود، بلکه باید در حضور استادی، شاگردی کند، جوانمردی بیاموزد و جزو فتیان شود. بنابراین می‌توان گفت روش تربیتی «استاد و شاگردی» نقشی اساسی در این روش آموزشی داشته است.

دستورپذیری شاگرد از استاد از ضروریات در فتوت‌نامه تمامی اصناف بوده است و بسیار بر آن تأکید شده است. در فتوت‌نامه دلاکان آمده است: «بدان که پیران ما تقدم

استادان سابق نهاده‌اند که هر کس خدمت استاد به جا آورد، معطل نماند و کارش نظام گیرد و از صنعت خود بهره‌ور گردد و آداب دستور و قواعد اجازت پیر و استاد است که باید به سر شود و خدمت پیر و استاد به جا آورد تا در وقت حجت مردان طریقت درنماند و باید که مأمور به امر استاد بوده باشد و این مذکور را به طریق واجب و لازم دانسته باشد»^{۱۱} (کاتب و شمیلی، ۱۰۵: ۱۳۹۱).

افشاری در کتاب *سی فتوت نامه*، ده ویژگی شاگرد را این‌گونه بیان می‌کند: «اول نیت چنان کند که کسب یاد می‌گیرد از برای آنکه نفع آن به عیالان مسلمانش برسد. دوم آنکه کسب از استاد کامل باید کرده که از شریعت و حقیقت باخبر باشد. سوم آنکه شرط حق‌گزاری که در خدمت استاد باشد، به جای آورد که حق استاد از حق مادر و پدر بیش است. چهارم دین را بر دنیا مقدم دارد و از قواعد و شرایط ایمان و اسلام بی‌خبر نباشد، نماز به وقت گزارد تا برکت در کار و کسب او باشد. پنجم آنکه کسب تمام برای خود نکند و حاجت فقیران برآورد. ششم در رعایت حق استادان اهل طریقت تقصیر نکند. هفتم در کار استادان عیب پیدا نکند. هشتم آن کسب جهت رضای خدا کند. نهم به رضای استادان و تکبیر متقدمان شروع در کار کند. دهم بداند مقدمه پیشه از کجا شد» (افشاری، ۱۳۹۰: ۷۸-۷۹).

از سوی دیگر قوانینی نیز برای استاد در برابر شاگرد تنظیم شده است که نمونه‌هایی از آن در فتوت‌نامه دوم شهاب‌الدین سهروردی ذکر شده است. مواردی مانند توجه دائم استاد به شاگرد با رویکردی دوستانه و ولایی به منظور یادآوری سهو و خطایشان، تلاش مجدانه در آموزش متعلم، آزمودن شاگردان و دعوت آنان به پشتیبانی از یکدیگر، تربیت شاگرد با این هدف که او نیز روزی به مقام استادی خواهد رسید، ایثار استاد در برابر شاگردان و پرهیز از هرگونه مضایقه، راهنمایی هر یک از متعلمان به فراگیری حرفه متناسب با توانایی‌های خود (کُرین، ۱۳۶۴: ۵۶).

فتوت‌نامه‌ها راه ترقی شاگردان را در قالب آیین‌نامه‌های ارتقا باز گذاشته‌اند. برای ارتقا از درجه‌ای به درجه بالاتر همان‌گونه که اهلیت شرط است، مهارت در صنعت و صبر هم شرط است. سلسله‌مراتب درجات اهل فتوت تا رسیدن به استادی استادان و درواقع «شیخ‌الشیوخی» را با مطالعه فتوت‌نامه‌ها می‌توان دریافت؛ البته این درجات

گاهی با تفاوت‌هایی نسبت به هم مطرح شده‌اند و این به سبب نفوذ انواع گرایش‌های فرقه‌ای و اعتقادی در آنها در دوره‌های مختلف و مرتبط‌بودن به کشورهای مختلف جهان اسلام بوده است. این مراتب در فتوت‌نامه سیدحسین بدین شرح است:

۱. نازل: کسی که از روی علاقه در محافل شرکت می‌کند. او هنوز به ارکان وارد نشده است.

۲. نیم‌طریق: کسی که استاد، پیر یا پدر طریقت و دو یار طریقت داشته باشد؛ ولی هنوز تربیت ندیده باشد.

۳. مفردی: کسی که میان‌بسته یعنی نصیب‌یافته و حلوایش پخته شده است.

این سه گروه را اصحاب طریق می‌گویند.

۴. بشارش: کسانی هستند که اهل فتوت را تربیت می‌کنند. آنان را دسته نقیب هم می‌گویند.

۵. نقیب‌النقا: کسی که از مرحله نقیب گذشته است.

۶. خلیفه: قائم مقام شیخ را گویند.

۷. شیخ.

۸. شیخ‌الشیوخ یا استاد (کاتب و شمیلی، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله، ضمن تحلیل اصطلاح عرفانی «فتوت» به جوانمردی و اصطلاح «فتیان» به پیروان آیین جوانمردی، نحوه شکل‌گیری و آثار آموزشی، تربیتی، اخلاقی و هنری «فتوت‌نامه»ها به عنوان اصول و دستورالعمل‌های مکتوب برای رسیدن سالکان و رهروان به آیین فتوت بررسی شد.

مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش را می‌توان در چند مورد خلاصه و جمع‌بندی کرد:

۱. روشن شد که هرچند فتوت به صورت خاص و در مفهوم جماعتی که پیرو سلسله اصول فتوت بوده‌اند، در میانه سده سوم هجری قمری ایجاد شده است، پیدایش اصول جوانمردی در قالب فتوت‌نامه‌ها حدوداً از سده پنجم هجری قمری بوده است.

۲. از نکات قابل توجه فتوت‌نامه‌ها - که شرح چگونگی تشریف به سلک فقیهان را در خود مکتوب دارند - این است که برای دستوره‌های خود یک منشأ قدسی قائل می‌شوند، به نحوی که غالباً خود را به یکی از پیامبران منسوب می‌کنند. از سوی دیگر می‌توان گفت طبق متون فتوت‌نامه‌ها، سند اهل فتوت به علی بن ابی‌طالب (ع) منتهی می‌گردد.

۳. معلوم شد که فتوت‌نامه‌ها به شرح اصول عرفانی و تهذیب نفس محدود نشده‌اند، بلکه این اصول اخلاقی را در عرصه کار روزمره نیز تسری داده‌اند تا از این رهگذر، عرفان نظری را به عرفان عملی مبدل سازند.

۴. فتوت‌نامه در میان اصناف و حرفه‌ها، بیشترین تأثیر آموزشی و تربیتی را در وفاداری به اصول اخلاقی و انسانی به همراه داشته است و فتوت‌نامه‌ها شخصیتی معنوی از صاحبان حرفه‌ها و اصناف می‌ساخته‌اند. با تتبع در این متون و کشف ساختار آموزشی آنها روشن شد که اصول حرفه‌ای صناعات در هر حرفه و صنفی را صاحبان همان صنف تدوین می‌کردند تا ترکیب آنها با اصول اخلاقی، به تمام و کمال رعایت شود.

راهکار آموزش هنر اسلامی در فتوت‌نامه‌ها مبتنی بر تربیت معنوی و تربیت حرفه‌ای بوده است که از طریق تدوین سلسله‌مراتب، تدوین آیین‌نامه ارتقا و شکل دادن به نظام استاد - شاگردی به نتیجه رسیده است. مهم‌ترین این راهکارها به صورت خلاصه و فهرست‌وار عبارت‌اند از: تربیت توأم با نظم و سختگیری از جانب استاد، توجه و تأکید بر ظاهر و باطن در شیوه‌های آموزشی، تلفیق آداب و رسوم ایرانی با ارزش‌های اسلامی، اجرای نظام استاد - شاگردی، تدوین آیین‌نامه ارتقا.

پی‌نوشت‌ها

۱. «فتی» به معنی جوان در قرآن کریم در آیه ۳۰ سوره یوسف، در مورد حضرت یوسف (ع) از آن جهت که تن به کار زشت نداد، در آیات ۱۰ و ۱۳ سوره کهف در مورد اصحاب کهف که به خدا مؤمن بودند و در برابر بتان سر خم نکردند، در آیات ۶۰ و ۶۳ همان سوره در مورد یوشع [یسع] که با موسی (ع) همراهی کرد و در سوره انبیا آیه ۶۰ در مورد ابراهیم (ع) به کار رفته است (سبحانی، ۱۳۸۹: ۹).

۲. الناصرالدین الله، خلیفه عباسی در اواخر حکومت این سلسله به سراغ فتوت رفت. این جریان جوانمردی، بعد از حمله مغول بیش از گذشته، صبغه شیعی گرفت و بر مبنای همین تحول هم بود که فتوت در جذب و متشکل ساختن توده‌ها و اصناف پایین اجتماع موفق‌تر بود... ترکان قزلباش در دوره صفوی نیز همچون نمادی از عیاران قرن‌های نخستین اسلامی بودند که به جهاد برای تشیع برخاسته بودند که متون فتوت‌نامه‌ها این زنجیره از تحولات با تبارهای گوناگون را به یکدیگر پیوند می‌داد (ولایتی، ۱۳۹۱: ۱۲).

۳. سند اهل فتوت را به حضرت علی(ع) منسوب می‌کنند. اساساً کاربرد واژه فتی نیز طبق روایات به شخص امام اول شیعیان برمی‌گردد. بر اساس این روایات، رسول اکرم(ص) علی(ع) را به پاس سخاوتش که هرچه داشت به سائل بخشید، «فتی» خطاب کرد و فرمود: «لا فتی الا علی». در روایتی مفصل‌تر نوشته‌اند که در میانه غزوه احد گروهی از دشمنان به پیامبر(ص) حمله‌ور شدند؛ پیامبر به علی(ع) فرمود که آنان را دفع کند. علی(ع) در حمله‌ای دمار از آن خاکساران برآورد. در آن حال آوازی آشکارا به گوش همگان رسید که «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» (سبحانی، ۱۳۸۹: ۹).

۴. سلسله اهل فتوت در فتوت‌نامه‌ها از آدم صفی(ع)، ابراهیم خلیل(ع) و حضرت محمد(ص) و پس از ایشان، حضرت علی بن ابی‌طالب(ع) و سلمان فارسی آغاز می‌شود. آنان حاتم طایی را در سخاوت و حضرت علی(ع) را در شجاعت اسوه خود به حساب آورده‌اند. فضیل بن عیاض (درگذشته ۱۸۷ق) و پوریای ولی - که به صورت بوربای، بگسیار، بویار و بریار هم نقل کرده‌اند - که ملقب به قتالی خوارزمی (درگذشته ۷۲۲ق) است، کمال اهل فتوت و عرفان بوده‌اند (پازوکی، ۱۳۸۴: ۴۸).

۵. هنر (art) و زیبایی‌شناسی مدرن، کانتی است؛ یعنی زیبایی کاملاً بر محور سوژه یعنی انسان می‌چرخد. عالم خارج در این دیدگاه، حکم ابژه آن سوژه را دارد؛ به عبارت دیگر زیبایی‌شناسی مدرن مبتنی بر سوژکتیویته یا اصالت‌دادن به سوژه است (پازوکی، ۱۳۹۰: ۲۰).

۶. ممکن است این پرسش مطرح شود که صنعت یا تخنه به عنوان یک مفهوم فلسفی چگونه به نظام عرفانی اهل فتوت راه یافته است. بلخاری در مقاله «رویکرد اخوان الصفا به هنر اسلامی»، این موضوع را این‌گونه تبیین می‌کند: نظری که بر اثر وحدت درونی صناعات با فلسفه و حکمت به وجود آمده بود، خود ضرورتی انکارناپذیر در رجوع اهل صناعات به حکما بود. در تبیین و شرح این معنا می‌گوییم فلسفه‌ای که در تمدن اسلامی اوج گرفته بود، دست‌کم در تقسیمات و تعریفات تا حدودی یونانی بود (حداقل پیش از احصاء العلوم فارابی). در این تقسیمات از یک سو، حکمت نظری و حکمت عملی دو شاخه یک درخت بودند و از سوی دیگر، در حکمت نظری بنیان‌هایی وضع شده بود که رجوع به آنها در حکمت عملی انکارپذیر بود؛ برای مثال هندسه، ریاضیات، نجوم و حتی موسیقی در بخش نظری فلسفه قرار داشتند؛ اما هر یک بنیان بسیار مهمی برای بخش عملی

بودند؛ نتیجه اینکه پیوستگی این علوم با هم، نوعی بنا و معماری را پروراند که خود را از رجوع به حکمت و فلسفه (دقیقاً از این رو که نسبت به صناعت او حالت ابوت و پدری و بنیادی داشت) بی‌نیاز نمی‌دید؛ بنابراین صنعت‌گرانی رشد می‌کردند که فلسفه و صناعت و حکمت و صنعت (و بنا به سلوک اخوان، با فن و فتوت) را با هم داشتند. مثال روشن در این فضا نیاز معماران به کتاب‌های ابواسحاق کندی در طراحی هندسی بنای خود یا کتاب بوزجانی، *المنازل فی ما یحتاج العمال* و *الصناع الی الهندسه*، بود. نتیجه مهم این است که صناعت در پرتو و سایه حکمت در تمدن اسلامی رشد کرد؛ پس اگر در فتوت‌نامه‌های آهنگران، چیت‌سازان و معماران با حکمت و عرفان مواجه می‌شویم یا در *الرسائل* اخوان الصفا که خود رساله‌هایی صد در صد حکمی است، در مورد صناعات مطالب بسیار می‌بینیم، تعجبی ندارد (بلخاری، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

۷. صنایع نزد اهل فتوت، پیشه‌ای بوده است که با آن هم مشغول به کار بودند - که عموم از آن استفاده می‌کردند - و هم اینکه این پیشه و کار، راه سلوک معنوی آنان محسوب می‌شده است؛ از این رو هنرمندان طبقه‌ای خاص و جدا از دیگر مردم نبودند؛ پس طبقه خاص هنری ممتاز از دیگران، چنان‌که امروز مرسوم است، اصولاً نمی‌توانسته وجود داشته باشد؛ ولی همین صنعتگران بودند که اصناف و طبقات اصلی جامعه را تشکیل می‌دادند. پیشه این صنعتگران قبل از اینکه جنبه اقتصادی داشته باشد، جنبه معنوی داشته است. هنرمندان با پیشه خویش، سلوک معنوی می‌کردند. از این جهت، اصولاً برای ورود به طریقت موظف می‌شدند هنر یا صنعتی را اختیار کنند (پازوکی، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

۸. برای مثال اخوان الصفا متأثر از تعالیم معصومان(ع) - به‌ویژه امام هفتم - غایت تمامی صناعات را رسیدن به حق تعالی و معرفت او می‌دانستند؛ چنان‌که مثلاً در غایت صناعت موسیقی و نیز تمامی صناعات، تشبیه به حضرت حق را متذکر شده‌اند. این قراردادان غایت معنوی برای صناعات، می‌توانست به خلق مصنوعات بینجامد که مکمل معرفت نظری و توحیدی انسان باشد و به همین دلیل از تمامی بنیان‌های معنوی (همچون اصل تناظر که به تنظیر عالم و آدم معتقد بود و نیز رجوع به تناسبات حقیقی و معنوی کالبد آدم و عالم) در صنع صناعات خود استفاده کند (اخوان الصفاء، ۱۴۱۲/ ۱: ۲۲۵).

۹. اهل فتوت وقتی می‌خواستند صنعتی را بیاموزند، ابتدا آداب تزکیه نفس و مراقبه را از استاد صنعت خویش فرا می‌گرفتند. از این رو هنرشان به هیچ وجه جنبه نمایشی نداشت و کمتر اتفاق می‌افتاد که نام خویش را بر اثر خویش حک کنند. به همین دلیل است که بیشتر آثار هنری گذشتگان، بی‌نام و نشان است؛ چراکه آنان هنر خویش را محصول نبوغ فردی خویش نمی‌دانستند (پازوکی، ۱۳۸۶: ۹۸).

۱۰. و اعلم أيها الأخ البار الرحيم أن قوة نفوس إخواننا في هذا الأمر الذي نشير إليه و نحث عليه على أربع مراتب: أولها صفاء جواهر نفوسهم و جودة القبول و سرعة التصور و هي مرتبة أرباب ذوي الصناعات في مدينتنا التي ذكرناها (اخوان الصفاء، ۱۴۱۲: ۴/ ۱۷۴) في الرسالة الثانية، و هي القوة

العاقلة المميّزة لمعاني المحسوسات، الواردة على القوة الناطقة بعد خمس عشرة سنة من مولد الجسد، و إلى هذا أشار بقوله: «إذا بلغ الأطفال منكم الحلم» و هم الذين نسميهم في رسائلنا إخواننا الأبرار الرحماء.

و فوق هذه المرتبة مرتبة الرؤساء ذوي السياسة و هي مراعاة الإخوان و سخاء النفس و إعطاء الفيض بالشفقة و الرحمة و التحنن على الإخوان، و هي القوة الحكيمية الواردة على القوة العاقلة بعد ثلاثين سنة من مولد الجسد.

و إليه أشار بقوله تعالى: «و لما بلغ أشده و استوى آتيناها حكما و علما» و هم الذين نسميهم في رسائلنا إخواننا الأخيار الفضلاء.

و المرتبة الثالثة فوق هذه و هي مرتبة الملوك ذوي السلطان و الأمر و النهي و النصر و القيام بدفع العناد و الخلاف، عند ظهور المعاند المخالف لهذا الأمر، بالرفق و اللطف و المداراة في إصلاحه، و هي القوة الناموسية الواردة على النفس بعد مولد الجسد بأربعين سنة، و إليها أشار بقوله تعالى: «حتى إذا بلغ أشده و بلغ أربعين سنة قال رب أوزعني أن أشكر نعمتك التي أنعمت علي و على والديّ و أن أعمل صالحا ترضاه» الآية. و هم الذين نسميهم في رسائلنا إخواننا الفضلاء الكرام.

و المرتبة الثالثة فوق هذه و هي مرتبة الملوك ذوي السلطان و الأمر و النهي و النصر و القيام بدفع العناد و الخلاف، عند ظهور المعاند المخالف لهذا الأمر، بالرفق و اللطف و المداراة في إصلاحه، و هي القوة الناموسية الواردة على النفس بعد مولد الجسد بأربعين سنة، و إليها أشار بقوله تعالى: «حتى إذا بلغ أشده و بلغ أربعين سنة قال رب أوزعني أن أشكر نعمتك التي أنعمت علي و على والديّ و أن أعمل صالحا ترضاه» الآية. و هم الذين نسميهم في رسائلنا إخواننا الفضلاء الكرام.

و الرابعة فوق هذه و هي التي ندعو إليها إخواننا كلهم في أي مرتبة كانوا و هي التسليم و قبول التأييد و مشاهدة الحق عيانا و هي القوة الملكية الواردة بعد خمسين سنة من مولد الجسد، و هي الممهدة للمعاد، و المقربة بمفارقة الهيولى، و عليها ترد قوة المعراج، و بها تصعد إلى ملكوت السماء فتشاهد أحوال القيامة من البعث و الحشر و النشر و الحساب و الميزان و الجواز على الصراط و النجاة من النيران و دخول الجنان و مجاورة الرحمن ذي الجلال و الإكرام. و إلى هذه المرتبة أشار بقوله تعالى: «يا أيّها النفس المطمئنة ارجعي إلى ربك راضية مرضية» الآية (إخوان الصفاء، ۱۴۱۲: ۱۷۵ / ۴).

۱۱. «پیر» و «مرشد» از واژگان مهمی هستند که احتمال می‌رود از طریق فتوت‌نامه‌ها و جامعه فنیان به عرفان ایرانی - اسلامی وارد شده‌اند. توبه‌کار در عرفان اسلامی باید بعد از توبه پیرو و مطیع کسی شود که او را راهبري کند و به اصطلاح صوفیه باید مرشدي انتخاب کند. پیر در عرفان به معنای کسی است که برای شاگرد یا مرید یا سالک در حکم راهنما و مربی و مرشد است. پیر یا مرشد شخصی است که تجربه و علم کافی دارد و خود به حق رسیده است (غنی، ۱۳۸۹: ۲۰۸). سالک

چون پیر و مرشد خود را انتخاب کند و دست ارادت به او سپرد، باید چشم‌بسته مطیع او باشد و بدون چون و چرا اوامر او را واجب‌الاطاعه بشمرد. تردید و تأمل سالک در اجرائی اوامر پیر و مرشد و تصور خطا و اشتباه برای او، کفر طریقت است (همان، ۲۱۱).

منابع

- اخوان الصفاء (۱۴۱۲)، *رسائل اخوان الصفاء و خلان الوفاء*، [بی‌جا]: الدار الاسلامیه.
- افشاری، مهران (۱۳۹۰)، *سی فتوت‌نامه دیگر*، تهران: نشر چشمه.
- امام جمعه، سیدمهدی (۱۳۹۰)، «رویکرد حکمت متعالیه به هنر اسلامی»، *جستارهایی در چیستی هنر اسلامی* (مجموعه مقالات و درس‌گفتارها)، به اهتمام هادی ربیعی، تهران: فرهنگستان هنر.
- بلخاری، حسن (۱۳۹۰)، «رویکرد اخوان الصفا به هنر اسلامی»، *جستارهایی در چیستی هنر اسلامی* (مجموعه مقالات و درس‌گفتارها)، به اهتمام هادی ربیعی، تهران: فرهنگستان هنر.
- پازوکی، شهرام (۱۳۸۴)، *حکمت هنر و زیبایی در اسلام*، تهران: فرهنگستان هنر.
- پازوکی، شهرام (۱۳۸۶)، «معنای صنعت در حکمت اسلامی، شرح و تحلیل رساله صنایع میرفندرسکی»، *مجله علمی پژوهشی خردنامه صدر*، ش ۴۸.
- پازوکی، شهرام (۱۳۹۰)، «رویکرد عرفانی به هنر اسلامی»، *جستارهایی در چیستی هنر اسلامی* (مجموعه مقالات و درس‌گفتارها) به اهتمام هادی ربیعی، تهران: فرهنگستان هنر، ۵۳ تا ۶۱.
- پیروززاد، شهریار و سعید بینای مطلق (۱۳۹۲)، «بررسی مسئله خلاقیت در هنر سنتی»، *جاویدان خرد*، ش ۲۴، پاییز و زمستان.
- تیشتر، فرانتس (۱۳۳۵)، «گروه فتوت کشورهای اسلامی و نوع ظهور گوناگون آنها مخصوصاً در ایران و کشورهای همجوار»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، س ۴، ش ۲.
- حاکمی، اسماعیل (۱۳۸۲)، *آیین فتوت و جوانمردی*، تهران: اساطیر.
- راوندی، مرتضی (۱۳۴۷)، *تاریخ اجتماعی ایران*؛ تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رضوی، مسعود (۱۳۸۹)، «در مذهب ارباب فتوت: نوشتاری درباره ملاحسین واعظ کاشانی و فتوت‌نامه سلطانی»، ش ۵۴.
- سبحانی، توفیق (۱۳۸۹)، «ملاطیان و فتوتیان»، *مجله اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۵۴.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶)، *قلندریه در تاریخ*، تهران: انتشارات سخن.
- علاقه، فاطمه (۱۳۷۷)، «مروری بر فتیان و فتوت‌نامه‌ها»، *مجله فرهنگ*، ش ۲۵ و ۲۶.
- غنی، قاسم (۱۳۸۹)، *تاریخ تصوف و تحولات مختلفه آن از صدر اسلام تا عصر حافظ*،

تهران: زوار.

فرهادی، مرتضی (۱۳۹۰)، «کار در فتوت‌نامه‌ها (مرام‌نامه‌های صنفی - طریقتی، خودانگیخته و خودپذیرفته ایرانیان)»، *مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش ۸، فیزابی، بهمن (۱۳۸۷)، «بررسی سنت‌های آموزش هنروری در فتوت‌نامه‌ها»، *مجله آینه خیال*، ش ۱۱، آذر و دی‌ماه.

کاتب، فاطمه و فرنوش شمیلی (۱۳۹۱)، «آیین فتوت و نظام آموزشی هنرها و صنایع در ایران»، *مجله علمی - ترویجی پژوهش هنر*، دانشگاه هنر اصفهان، س ۲، ش ۴، پاییز و زمستان. کاشفی، حسین واعظ (۱۳۵۰)، *فتوت‌نامه سلطانی*، به اهتمام محمدجعفر محجوب، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

کاشی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۶۹)، *تحفه الاخوان فی خصائص الفتيان*، مقدمه و تصحیح: محمد دامادی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی.

کرین، هانری (۱۳۶۴)، *آیین جوانمردی*، ترجمه احسان نراقی، تهران: نشر نو.

معین، محمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، ج ۴، تهران: امیر کبیر.

موسوی، سیدرضی (۱۳۹۱)، «هنر اسلامی در آینه فتوت‌نامه‌ها با تأکید بر فتوت‌نامه چیت‌سازان»، *مجله علمی - پژوهشی مطالعات هنر اسلامی*، ش ۱۵، پاییز و زمستان.

ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۲)، *دانشنامه جوانمردی (فتوت)*: ریشه‌ها و خاستگاه‌ها، تهران: امیرکبیر.